

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
 وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٢﴾  
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ  
 الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٣﴾  
 إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۗ فَحَسْبُهُ  
 جَهَنَّمُ ۗ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي  
 نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ  
 ﴿٢٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ۚ  
 وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ  
 ﴿٢٦﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا  
 أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا  
 أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ  
 وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢٨﴾

از میان مردم کسی است که در زندگی دنیا سخنان او [در طرفداری از حق] تو را به تعجب و امیدوار دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد. در حالی که او سخت‌ترین دشمنان است. ﴿۲۰۴﴾

و هر گاه [از نزد تو] بازگردد، در زمین به تکاپو می‌افتد تا در آن تباهی و فساد کند و کشت و نسل بشر را به نابودی کشاند، و خداوند تباهی را دوست نمی‌دارد. ﴿۲۰۵﴾

و چون به او گفته شود: از خدا پروا کن، عزت و عجب [خیالی]، او را فرامی‌گیرد [و پند نمی‌گیرد]. دوزخ او را بس است و راستی که بد جایگاهی است. ﴿۲۰۶﴾

و از میان مردم کسی است که برای طلب و به‌دست آوردن رضا و خشنودی خدا جانش را می‌فروشد و خدا به بندگانش رئوف است. ﴿۲۰۷﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در برابر خدا تسلیم شوید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. ﴿۲۰۸﴾

پس اگر بعد از آنکه آیات و نشانه‌های آشکار برایتان آمد، دچار لغزش و انحراف شدید، بدانید که خداوند توانای حکیم است. ﴿۲۰۹﴾

مگر انتظار آنان [کفار و منافقان] غیر این است که خدا و فرشتگان در سایه‌های ابر سفید به سوی آنان بیایند تا کار [داوری] یکسره شود؟ و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد. ﴿۲۱۰﴾

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام شخصیتی است که همه مسلمانان، ایشان را رهبر و پیشوای خود می‌دانند. شیعیان، امام علی علیه السلام را امام اول و اولین جانشین بعد از پیامبر می‌شمارند. و اهل سنت ایشان را خلیفه چهارم خود محسوب می‌نمایند. شناخت این شخصیت بزرگ و سبک زندگی و رهبری ایشان به ما کمک می‌کند تا معیارهای رهبری در جامعه اسلامی را بهتر بشناسیم و در انتخاب مسئولان جامعه خود بهتر عمل کنیم.

## پرورش در دامان پیامبر

امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ده سال قبل از بعثت پیامبر در خانه کعبه به دنیا آمد.<sup>۱</sup> پدرش ابوطالب به پیشنهاد پیامبر، نام ایشان را «علی» گذاشت. علی به معنای «والا» و «بلند مرتبه» است. سه یا چهار سال بیشتر نداشت که به خانه پیامبر آمد و تا چندین سال نزد ایشان زندگی می کرد. خودش درباره این دوران می فرماید:

«در حالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم و پیامبر مرا در کنار خود می نهاد... نه هرگز دروغی در گفتار من دید و نه رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد...»

من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می رود، از آن بزرگوار پیروی می کردم و او هر روز پرچمی از خوی های نیکوی خود را برای من می افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می داد...

... هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، این فریاد اندوهناک چیست؟ پاسخ داد: این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی گمان آنچه را من می شنوم تو هم می شنوی و آنچه را من می بینم تو هم می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی<sup>۲</sup>، بلکه وزیر هستی و تو هر آینه بر راه خیر می باشی.<sup>۳</sup>

شخصیتی که تا ده سالگی به این مرتبه از دانایی و بزرگی رسیده بود، با اعلام رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، ایمان خود به رسول خدا را اعلام کرد و در تمام لحظات سخت دوران مکه در کنار پیامبر بود. آن حضرت در شعب ابی طالب در سه سالی که پیامبر در محاصره اقتصادی قرار داشت، به فرمان پدر مسئولیت حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر عهده گرفت. از آن پس در تمام صحنه های سخت و پرخطر در مکه و مدینه حضور داشت و با رشادت و شجاعت خود، سبب موفقیت اسلام و عقب نشینی مشرکان و کفار می شد.

خوایدن در جای پیامبر در هنگام توطئه دشمنان برای کشتن آن حضرت، رشادت و قهرمانی بی نظیر در جنگ بدر، استقامت و فداکاری در جنگ احد با وجود زخم های فراوان و در حالی که جز اندکی از مسلمانان بقیه فرار کرده بودند، انداختن رعب در دل دشمنان و فراری دادن آنان با شکست دادن پهلوان عرب «عمرو بن عبدود» در جنگ خندق، فتح قلعه های خیبر و شکستن بت های خانه کعبه در

۱- ماجرای تولد حضرت علی علیه السلام در خانه کعبه علاوه بر کتاب های شیعی در کتاب های بزرگان اهل سنت نیز بارها نقل شده است. به عنوان نمونه، می توان به این موارد اشاره کرد: المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۵۵؛ تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۱۰؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۲ ص ۲۷۳.

۲- این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مربوط به روز اول بعثت است، از این کلام درمی یابیم که خداوند آگاه به همه امور، از شایستگی های امام علی علیه السلام نیز خبر دارد و به پیامبر امر فرموده تا ایشان را وزیر خود قرار دهد.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بخشی از خطبه قاصعه.

هنگام فتح شهر مکه، تنها بخشی از فداکاری‌های ایشان در راه اسلام بود. آن حضرت در تمام این دوران، گوش به فرمان رسول خدا ﷺ بود و پیامبر اکرم ﷺ ایشان را عزیزتر از فرزند دوست می‌داشت. تا اینکه در سال یازدهم هجرت، رسول خدا در حالی که سر بر دامن وی گذاشته بود، جان به جان آفرین تسلیم کرد و یار وفادار خود را تنها گذاشت و این در حالی بود که بارها حضرت علی را به عنوان امیر المؤمنین، برادر، وصی و جانشین خود به مردم معرفی کرده بود.

### امیر المؤمنین علی از دیدگاه پیامبر ﷺ

شخصیت والا و بی‌مانند حضرت علی نتیجه تربیت مستقیم پیامبر اکرم ﷺ بود. رسول خدا ﷺ ایشان را به گونه‌ای تربیت کرده بود که الگو و سرمشق مسلمانان زمان خود و سایر دوران‌ها باشد. از این رو، در هر فرصتی از این شخصیت والا سخن می‌گفت و عشق و محبتش را به وی ابراز می‌کرد.

جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا ﷺ می‌گوید: در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا ﷺ بودیم که علی وارد شد. رسول خدا ﷺ فرمود: «برادرم به سویتان آمد». سپس رو به سمت کعبه کرد و دست بر آن گذاشت و فرمود: «سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد، شیعیان و پیروان او، رستگارانند و در روز قیامت، اهل نجات‌اند»<sup>۱</sup>.

سپس فرمود: «این مرد اولین ایمان‌آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات و ارجمندترین شما نزد خداست»<sup>۲</sup>.

در همین هنگام، آیه زیر بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد و پیامبر آن را قرائت کرد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا  
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ<sup>۳</sup>  
کسانی که ایمان آوردند  
و کارهای شایسته انجام دادند،  
اینان بهترین مخلوقات‌اند.

همان‌گونه که مشاهده کردید رسول خدا ﷺ، در سخنان خود از کلمه «شیعه» که ترجمه آن «پیرو» می‌شود، استفاده کرده و پیروی از امام علی را سبب رستگاری دانسته است. بنابراین، شیعه، مسلمانانی است که به فرمان خدا و پیامبر ﷺ، امیر المؤمنین را جانشین پیامبر می‌داند و از او پیروی می‌کند.

۱- «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَاتَرُونَ»؛ الدر المنثور، سیوطی، ذیل آیه «أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۵، ص ۷۲۰.

۳- سوره بقره، آیه ۷.

خوب است بدانیم که لفظ شیعه، واژه‌ای است قرآنی. در قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام معرفی شده و درباره‌ی ایشان آمده است: «إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ»<sup>۱</sup>؛ پس حضرت ابراهیم علیه السلام از آن جهت که راه حضرت نوح را ادامه داده، شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام است.

در موقعیت‌های دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی امام علی علیه السلام می‌فرمود:

۱- عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ<sup>۲</sup>.

۲- عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ<sup>۳</sup>.

### تفکر در حدیث

در این دو حدیث بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- میان حدیث اول و حدیث ثقلین چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۲- حدیث دوم چگونه با بحث عصمت، عدالت و علم امام ارتباط دارد؟

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از بیان جایگاه علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «دروغ می‌گوید کسی که می‌پندارد مرا دوست دارد، در حالی که دشمنی و کینه‌تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو... کسی به فلاح می‌رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می‌رسد کسی که از تو دوری‌گزیند. مثل تو و امامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است؛ هرکس بر آن سوار شود، نجات یابد و هرکس سربچی کند، هلاک شود، مثل شما مثل ستارگان آسمان است که چون ستاره‌ای غایب شود، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند تا روز قیامت»<sup>۴</sup>.

### پاسخ سؤالات شما

برخی می‌پرسند چرا با وجود همه‌ی تلاش‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی امیر مؤمنان علی علیه السلام و بیان فضائل ایشان در زمان‌ها و مکان‌های متعدد داشت، اما پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیاری از مردم، به‌خصوص رؤسای قبایل و بزرگان قوم کمتر به این حقیقت توجه کردند؟  
پاسخ کوتاه آنکه: یکی از علت‌های این بی‌توجهی، افکار و اندیشه‌های باقی‌مانده از دوران

۱- سوره صافات، آیه ۸۳.

۲- امالی، طوسی، ج ۱۰، ۲۸، المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳- امالی، صدوق، ص ۸۹، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴- غایة المرام، هاشم بن سلیمان بحرانی، ج ۲، ص ۵۲۲ به نقل از صدوق.

جاهلیت قبل از اسلام بود که به این آسانی از ذهن و فکر مردم خارج نمی‌شد. در جاهلیت، بزرگان قبایل بدون آنکه دارای فضیلت خاصی باشند، صرفاً به این دلیل که رئیس قوم بودند، قدرت ویژه‌ای داشتند و مردم آنان را بزرگ می‌شمردند و فضیلت‌هایی مانند علم، عدالت‌خواهی، جوانمردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس، ارزش و جایگاهی نداشت. آنان حتی میان فرمان و دستور پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان خدا و پیامبر، به سوی فرمان بزرگان قوم خود متمایل می‌شدند. از این رو، رسول خدا ﷺ پیوسته فضایل امام علی (ع) را به آن مردم یادآوری می‌کرد تا شاید بزرگان قبایل و افراد هر قبیله به جای ارزش‌های جاهلی به رفتار و کردار امیر مؤمنان بیشتر توجه کنند و به مقابله با ایشان برنخیزند.

## ویژگی‌های امیر مؤمنان علی (ع)

بزرگان علم و دانش، از مسلمان و غیرمسلمان، پس از بررسی شخصیت امیرالمؤمنین (ع) با شگفتی مشاهده کرده‌اند که فضایی در آن امام است که به سختی در یک فرد، جمع می‌شود. آن امام در میدان جنگ، شجاع‌ترین؛ در محراب عبادت، عابدترین؛ در مقام قضاوت، دقیق‌ترین؛ در کلاس درس، عالم‌ترین؛ در بلاغت و زیبایی سخن، بلیغ‌ترین؛ و در عرصه حکمرانی، عادل‌ترین است.<sup>۱</sup>

در میان فضیلت‌های مختلف آن بزرگوار، در این درس به دو فضیلت ایشان اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم:

### ۱- علم بی‌کران

همان‌طور که گفتیم، یکی از ابعاد شگفت‌انگیز شخصیت امیرالمؤمنین (ع)، علم و معرفت وی بود. ایشان در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی، حکومت و کشورداری، نظام اجتماعی و اقتصادی، اخلاق و فضیلت و سایر موضوعات مورد نیاز هدایت و سعادت انسان، سخن گفته و ما را راهنمایی کرده است.

کتاب «نهج البلاغه»<sup>۲</sup> که بخشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پند و اندرزهای ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی‌مانند است. دانشمندان بزرگ جهان اسلام از زمان تدوین این کتاب تاکنون، در موضوعاتی که ذکر شد، همواره از این کتاب بهره‌مند شده‌اند.

برخی دیگر از دانشمندان هم برای استفاده بیشتر مردم از این کتاب، بر آن شرح‌ها نوشته‌اند تا مردم

۱- جاذبه و دافعه علی (ع)، استاد مطهری، ص ۱۰ از مقدمه.

۲- نهج البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری قمری، مدون شد. وی کتاب‌های حدیثی و تاریخی زمان خود را که سخنان امیرالمؤمنین (ع) در آنها بود، گرد آورد و گزیده‌ای از سخنان را در یک کتاب قرار داد و آن را «نهج البلاغه» نامید. سایر سخنان امیرالمؤمنین (ع) که حجمی بیش از نهج البلاغه دارد و در سایر کتاب‌های تاریخی و حدیثی موجود بوده، در سال‌های اخیر در مجموعه‌ای به نام «موسوعه امیرالمؤمنین» گرد آمده و در اختیار پژوهندگان قرار گرفته است.

به نکات دقیق و عمیق این کتاب بیشتر بی ببرند.<sup>۱</sup>

ابن ابی‌الحدید که از اندیشمندان اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر خوانده‌اند...»<sup>۲</sup>.

وی در شرحی که بر خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه نوشته است، می‌گوید: «قسم می‌خورم به کسی که همه امت‌ها به او قسم خورده‌اند، که پنجاه سال است این خطبه را مطالعه می‌کنم و در این پنجاه سال، بیش از هزار مرتبه آن را خوانده‌ام، و تاکنون هیچ بار آن را نخوانده‌ام مگر آنکه در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است. چقدر خطبا و موعظه‌کنندگان درباره مرگ و آخرت خطبه خوانده‌اند! و من چقدر خطبه‌های آنان را خوانده و در آن تأمل کرده‌ام! اما تاکنون هیچ کدام از آنها تأثیر این خطبه را در جان من ایجاد نکرده است...»<sup>۳</sup>.

امیرالمؤمنین علیه السلام جز نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همین باره فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ	من شهر علم هستم
وَعَلَىٰ بَابِهَا	و علی در آن است.
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ	هرکس این علم را بخواهد
فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا	باید از در آن وارد شود. <sup>۴</sup>

### تفکر در حدیث

این حدیث شریف، در بردارنده پیام‌های متعددی است. با تفکر در آن، سه پیام آن را به دست

آورید:

۱-

۲-

۳-

۱- در میان شرح‌های فارسی، می‌توان شرح استاد محمدتقی جعفری و شرح آیت‌الله مکارم شیرازی را نام برد.

۲- مقدمه شرح ابن ابی‌الحدید بر نهج البلاغه.

۳- شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۱، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴- شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۸۱ و امام‌شناسی، سید محمدحسین حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.



امیر مؤمنان علی علیه السلام خود می فرمود: «هرگاه از پیامبر سؤال می کردم، پاسخم را می داد و اگر در حضورش سکوت می کردم، ایشان پیشگام می شد و از دانش خود مرا بهره مند می ساخت».<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، امیرالمؤمنین علیه السلام به دانش بی مانندی رسید که هرکس در هر موردی از ایشان سؤال می پرسید، ایشان بی درنگ و در کمال درستی پاسخ می داد.

**سؤال در میدان جنگ**

در چکاچک شمشیرها و نیزه ها و در لابه لای نعره ها و فریادهای رزم آوران جنگ جمل، مردی دچار شک و تردید شده بود: «خدایا، حق با کدامین طرف است؟ در یک سو علی، وصی پیامبر و امیر مؤمنان سردار بزرگ اسلام و در سوی دیگر، برخی بستگان پیامبر و دوتن از صحابه آن حضرت، یعنی «طلحه» - مرد خوش سابقه اسلام - و «زبیر» - دلاور میادین نبرد - صف بسته اند. آیا می شود هر دو گروه برحق باشند یا هر دو بر باطل؟!... به راستی کدام یک بر حق است؟»

سرانجام چاره کار در این دید که جواب را از علی علیه السلام بگیرد.

امام، بدون اینکه فوراً بگوید من بر حق هستم، معیاری در اختیار وی قرار داد که با آن معیار بتواند همواره جریان ها و شخصیت های سیاسی و اجتماعی را بر اساس آن معیار ارزیابی کند و حق یا باطل بودن آنها را به دست آورد. از این رو، به وی فرمود:

«کار را واژگون کرده ای! می خواهی حق و باطل را به وسیله شخصیت ها بشناسی، درحالی که شخصیت ها هستند که باید با مقیاس حق، سنجیده شوند. ابتدا حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را بشناسی؛ و نیز ابتدا باطل را بشناس تا بتوانی اهل آن را شناسایی کنی».<sup>۲</sup>

## بیشتر بدانیم

### حل فوری یک مشکل

نقل کرده اند که سه نفر در تقسیم ۱۷ شتر اختلاف داشتند. اولی  $\frac{1}{4}$ ، دومی  $\frac{1}{3}$  و سومی  $\frac{1}{9}$  شترها را مالک بودند. اما هرطور تقسیم می کردند که کسری نیاید، ممکن نبود. با امیرالمؤمنین علیه السلام در میان گذاشتند. ایشان در همان موقع فرمود: «آیا مایلید که من یک شتر به شترهایتان اضافه کنم؟» گفتند: «آری، چرا مایل نباشیم؟»

۱- المصنف فی الأحادیث و الآثار، ابوبکر بن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۳۶۶.

۲- الطراف، سید بن طاووس، ج ۱، ص ۱۳۶؛ الأمالی، طوسی، ص ۶۲۵؛ دکتر طه حسین، ادیب و نویسنده معروف مصری در کتاب «علی و بنوه» درباره این سخن حضرت علی علیه السلام می گوید: «پس از آنکه وحی خاموش شد و ندای آسمانی قطع شد، سخنی به این عظمت شنیده نشده است».

پس امام، شتری بر شترها افزود و تعداد شترها به ۱۸ رسید. آن گاه ۹ شتر را که  $\frac{1}{4}$  شترها بود به اولی داد. سپس ۶ شتر را که  $\frac{1}{3}$  شترها می‌شد، سهم نفر دوم قرار داد. به نفر سوم هم که سهمش  $\frac{1}{9}$  شترها بود، ۲ شتر داد؛ و یک شتر باقی مانده را خودش برداشت.<sup>۱</sup>

## ۲- عدالت بی‌ماند

امام علی علیه السلام پس از ۲۵ سال کنار گذاشته شدن از حق خلافت، آن گاه که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها بر قبول خلافت، حجت را بر خود تمام دید به صحنه آمد. ایشان از همان آغاز با الگو قرار دادن سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبارزه با تبعیض و نابرابری و برقراری عدالت را سرلوحه کار خود قرار داد. آن حضرت در همان روزهای آغازین حکومتش، به مسجد رفت و این گونه برای مردم سخنرانی کرد:

«... ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت المال و اموال عمومی برداشته‌اند و جیب خود را انباشته‌اند و ملک و باغ خریده‌اند... اینان در حقیقت ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده‌اند؛ اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان بازمی‌ستانم و از این پس، سهم همه مسلمانان را از بیت المال به طور مساوی خواهم داد».<sup>۲</sup>

فردای آن روز، پس از پرداخت هزینه‌های عمومی کشور از بیت المال، باقی مانده آن را میان مردم به طور مساوی تقسیم کرد. محرومان خوشحال شدند؛ اما عده‌ای که دوره‌های قبل دریافت‌های ویژه و کلان داشتند، اعتراض کردند.<sup>۳</sup>

ایشان در سخنرانی فرمودند: «سوگند به خدا، اگر همه دنیا را [با تمام وسعتش] به من بدهند تا به اندازه گرفتن پوست جو از دهان موری، خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد».<sup>۴</sup>

۱- قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام، محمدتقی شوشتری، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۷۴.

۲- ادامه سخنرانی چنین است: «عده‌ای در مقام اعتراض می‌گویند علی بن ابی طالب ما را از حَقمان محروم کرد! هر کس در گذشته از اصحاب رسول خدا بوده، یا به اسلام خدمتی کرده، پاداشش با خدایت [این سوابق درخشان، سبب نخواهد شد که میان آنان و دیگر مسلمانان تبعیض قائل شویم و به آنها امتیاز بیشتر بدهیم]... هر کس امروز دعوت خدا و رسولش را بپذیرد و حقانیت ما را تصدیق کند و در دین ما داخل شود و به سوی قبله ما نماز بخواند، یک مسلمان است و با سایر مسلمانان برابر است. بیت‌المال هم که مال همه مسلمانان است، به طور مساوی بین همه تقسیم خواهد شد و از این لحاظ هیچ کس را بر دیگری امتیاز نیست. آری هر کس که متقی تر باشد، نزد خدا گرامی تر است و پرهیزکاران در قیامت بهترین پاداش را خواهند داشت؛ اما خدا دنیا را پاداش پرهیزکاران قرار نداده است. اجر و پاداش اخروی برای آنها بسی نیکوتر است... (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۳۷؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۲، ص ۲۷).

۳- یکی از معترضین می‌گفت: «چگونه همه ما را در یک مرتبه قرار داده و امتیازات را به کلی نادیده گرفته‌ای؟ به من و این مرد که تا مدتی پیش غلام من بود به یک اندازه از بیت‌المال داده‌ای، آیا این انصاف است؟».

۴- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

امام از همان ابتدا به اصلاح امور اقدام کرد و در همان آغاز، فرمانروایانی همچون معاویه را که به ناحق به پست و مقام رسیده بودند و به شیوه پادشاهان و امپراطوران ستمگر حکومت می کردند، برکنار کرد و برای این کار چنان مصمم بود که حتی به مصلحت اندیشی برخی از یاران خویش نیز عمل نکرد. برخی به آن حضرت گفتند: معاویه فردی دنیاطلب و قدرتمند است و برکناری او، سبب جنگ با شما می گردد. فرمود: «به خدا سوگند، حتی برای دو روز نیز او را به کار نخواهم گماشت و من هیچ گاه گمراه کنندگان را کارگزار خود قرار نخواهم داد»<sup>۱</sup>.

عدالت ورزی امیرالمؤمنین علیه السلام و توجهش به محرومان و فقیران و زندگی ساده ایشان سرمشقی برای ما مسلمانان است و با اینکه نمی توانیم دقیقاً مانند ایشان عمل کنیم، اما می کوشیم خود را به این سرمشق بزرگ نزدیک تر نماییم.

ایشان، خود، در این باره، ما را راهنمایی کرده است:

روزی خیردار شد فرماندارش در بصره در یک مهمانی شرکت کرده که فقیران حضور نداشتند و غذاهای رنگارنگ چیده بودند. آن حضرت نامه ای تند به آن فرماندار نوشت و به کار وی اعتراض کرد و شیوه صحیح زندگی حاکم را توضیح داد. به او نوشت: «... من که امام شما هستم، از این جهان به دو جامه کهنه، بسنده کرده و از خوراکی ها به دو قرص نان. بدانید که شما نمی توانید این گونه زندگی کنید؛ لیکن مرا در پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری نمایید»<sup>۲</sup>.

## بیشتر بدانیم

وقتی یک نویسنده مسیحی عاشق امام علی علیه السلام می شود!

«جرج جرداق (۱۹۳۱-۲۰۱۵)»، نویسنده و شاعر معاصر لبنانی است. وی که یک فرد مسیحی است، چنان شیفته شخصیت امام علی علیه السلام می شود که پنج جلد کتاب درباره آن حضرت می نویسد. جلد اول آن «امام علی، صدای عدالت انسانی» نام دارد. وی در این کتاب می نویسد: «ای دنیا، چه می شد اگر همه توان خود را گرد می آوردی و در هر روزگار یک «علی» با آن قلب و زبان عنایت می کردی».

جمله پشت جلد کتاب جرج جرداق مسیحی این بود:

O'Ali,

If I say you're superior to Jesus Christ, my religion cannot accept it!

۱- مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۳۶۴؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۹۵.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

If I say he's superior to you, my conscience won't accept it!

I don't say you're God!

... So, tell us yourself, o' Ali:

Who are you?!

«ای علی!

اگر بگویم تو از مسیح بالاتری، دینم نمی پذیرد!

اگر بگویم او از تو بالاتر است، وجدانم نمی پذیرد!

نمی گویم تو خدا هستی ...!

پس خودت به ما بگو ای علی :

تو کیستی؟!»

جرج جرداق بر سردر خانه خود نوشته بود: «لافتی الآ علی لاسیف الآ ذوالفقار».

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل بی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	مخاطب
۱	امام علی <small>علیه السلام</small> صدای عدالت انسانی	جرج جرداق	سید هادی خسروشاهی	بوستان کتاب	معلم/ دانش آموز
۲	جاذبه و دافعه علی <small>علیه السلام</small>	شهید مرتضی مطهری	-	صدرا	معلم/ دانش آموز
۳	خلاصه زندگانی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	سید جعفر شهیدی و سید هاشم رسول محلاتی	-	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم
۴	سیری در نهج البلاغه	شهید مرتضی مطهری	-	صدرا	معلم/ دانش آموز
۵	علی <small>علیه السلام</small> فراسوی ادیان (امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> در کلام اندیشمندان غیر مسلمان)	حمزه کریم‌خانی؛ سید محمد علی صمدانی		دانش حوزه	معلم/ دانش آموز
۶	علی <small>علیه السلام</small> چهره درخشان اسلام	ابن ابی الحدید معتزلی	علی دوانی	بنیاد نهج البلاغه	معلم
۷	فروغ ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امام علی <small>علیه السلام</small>	جعفر سبحانی		صحیفه خرد	معلم/ دانش آموز
۸	فضائل علی <small>علیه السلام</small> از زبان غیر شیعه	محمد تقی صرفی		برگزیده	معلم/ دانش آموز
۹	نقش نگار: مروری بر زندگانی امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small>	گردآورنده: محمد محمدیان برگرفته از سخنان رهبر معظم انقلاب (سید علی خامنه‌ای)		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم

